



بازنگری در الگوی تدوین اهداف تربیت در دوره‌ی کودکی مبتنی بر نظریه‌ی اعتباریات علامه طباطبایی: چرخش از منطق دودرجه‌ای به منطق سه درجه‌ای

داود حسین پور صباغ^۱

چکیده

معنا و ماهیت اهداف تعلیم و تربیت و تدوین فهرست معتبری از آن‌ها همواره یکی از دغدغه‌های اساسی فیلسوفان تعلیم و تربیت بوده است. تدوین اهداف اگرچه در همه‌ی دوره‌های تربیت حائز اهمیت است، در دوره‌ی کودکی بخاطر عمق و شدت تاثیرپذیری او از محیط، اهمیتی مضاعف می‌یابد. در این مقاله سعی شده مبتنی بر تاملات نظرورزانه‌ی انتقادی با استفاده از روش تحلیلی و استنتاجی ضمن نقد الگوهای موجود تدوین اهداف دوره کودکی، یک منطق جایگزین ارائه گردد. بطور کلی نوع نگاه به ساختار وجودی انسان، غایات اجتماعی و ایدئولوژی‌های حاکم، تقسیم بندی ساحت‌های حیات، اقتضانات بومی و فرهنگی و غیره به عنوان مولفه‌های اساسی حاکم بر تدوین اهداف تربیت ذکر شده‌اند اما به نظر می‌رسد در اغلب الگوهای موجود، تجزیه کودک به نفس و بدن و حاکم شدن یک نگاه دو درجه‌ای به هویت او، جامعیت آن‌ها را مورد تردید قرار داده است. در مقابل، در منطق پیشنهادی مبتنی بر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی می‌توان یک هویت سه درجه‌ای برای کودک در نظر گرفت که علاوه بر بدن و نفس (اعم از شناخت، عاطفه و اراده)، شامل یک سنخ وجود اعتباری نیز می‌شود که از قضا فصل ممیز حیات او از بقیه موجودات است. وجود اعتباری کودک که از سویی ریشه در ساحت خیال و از سویی دیگر بر موقعیت‌های اجتماعی او ابتدا دارد، زمینه حیات او در جهان‌های اجتماعی متفاوت را مهیا می‌سازد. براین اساس در منطق پیشنهادی، اهداف تربیت باتوجه به تبیین سه درجه‌ای از هویت کودک، شایستگی‌های ناظر به مرتبه بدنی، شایستگی‌های ناظر به مرتبه نفسانی (اعم از شناخت، عاطفه و اراده)، و شایستگی‌های ناظر به مرتبه اعتباری، تدوین می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: اهداف تربیت، دوره اوان کودکی، نظریه اعتباریات، علامه طباطبایی، منطق سه درجه‌ای

۱. استادیار گروه مبانی تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، davood.hps@ferdowsi.um.ac.ir